

نگوی

در میان شعرهایی که رئیس‌جمهور در دوران انتخابات مطرح کرد فقط شمار اپولیت‌نورست بر سر سفره مردم هنوز یادآور شده است. یکی از شعرهایی که دوستانم بدان هم نیز سعی دارند، همچنان به فراموشی سپرده شده، شعار حل مسائل ایران و حل مشکلات بیابانکاری یا به عبارت بهتر مسأله فرارزاده‌های موقت کار است. اگرچه دولت‌نهم در مورد نحوه به کارگیری نیروهای بیابانکاری در داخل دستگاه‌های اجرایی نشان می‌دهد، این مصوبه فقط موجب تغییر کارفرما شده و از سوی دیگر به تعداد کارکنان دولت افزوده است. البته مصوبه دولت‌نهم شرایط را برای جذب نیروهای جدید در نظر نیز فراهم ساخت اما وجود فرارزاده‌های یکساله، عدم برخورداری از بیمه بیکاری در پایان قرارداد، تبعیض در میزان پرداخت‌ها و... همچنان باقی است و تفاوتی در وضعیت، به وجود نیآورده است؛ همچون شعرهای دیگری که ارائه شد، هیچ‌گاه در عمل اجرا نشود. باز شاید از آن بگوییم مطرح‌شده که حل مسأله فرارزاده‌های موقت نیازمند اصلاح قانون است و دولت نیز تغییر آن را در دستور کار دارد و یا گفته شود که به بازار کار به دلیل ماهیت و پیچیدگی‌های خاص خود، ضرورت وجود پدیده‌ای به نام فرارزاده‌های موقت را کنار ناپذیر است. مانند: شاعر، دولت‌نهم اگر به واقع می‌خواست

یکی از آن همه شعاری که فراموش شد

[آرمین حمیدی]

برمی‌آورد پیش‌نویس اصلاح قانون کار (دومین پیش‌نویس منتشر شده) نشان می‌دهد که مهمترین خدمت به کارگران آزادسازی اخراج همرا به پرداخت خسارت بود. به عبارت بهتر، این شیوه به نوعی با گذشتن به قانون کار قبلی است. هر حال از سرنوشت اصلاح قانون کار خبری نیست و کارگران همچنان در انتظار تحقق محوری‌ترین شعار دولت‌نهم یعنی حل مسائل عرصه روابط کار

هر سال اول ماه کمه که می‌شود یکی بار دیگر به یادمان می‌آید که حدود پانزده میلیون کارگری که در این کشور در سخت‌ترین شرایط ممکن کار می‌کنند و به دشواری روزگار می‌گذرانند هم به عنوان بخشی از جامعه وجود دارند. روز جهانی کارگر از این جمع اگرچه یادآور غفلت اسفبار رسانه‌ها و برخی مسوولان و سیاستمداران ایرانی نسبت به جامعه بزرگانه کارگری است اما شاید فرصت مغتنمی هم باشد برای طرح صدبار مطالبات و معضلات کارگرانی که حتی از حداقل حقوق یک مرسم ساده و فراتر بیرون بزرگداشت تازهوری که چنان‌هم به نام آنها و برای آنها ثبت کرده است، منع می‌شوند. اما برخی کارگران در حالی اجازه برگزاری مراسم روز جهانی کارگر را در شهرها و محل کار خود ندارند که جامعه جهانی کارگران آن‌ها در روز کارگر کار را تعطیل می‌کند، بلکه آزادانه و در فضاهای عمومی و حتی با همکاری و همراهی دولت‌ها و جامعه کارفرمایان، این روز را جشن می‌گیرند و در پی فعالیت آزادانه سندیکاهای صنفی و اتحادیه‌های کارگری مطالبات خود را بیان می‌کنند. برای کارگرانی که ماه‌هاست حقوق ماهانه خود را دریافت نکرده‌اند، حتی عید نوروز، پس از یک‌سال کار می‌زین‌تانی برسر سفره خانواده خود شده‌اند، برخی کارگرانی که به حکم فرارزاده‌های موقت از یک‌بازار و به با



چرخه مطالبه حقوق صنفی خود پرداخت شده است، شاید دیگر روز جهانی کارگر هم معنای اصلی کارکنان خود را از دست داده باشد. **صدای کارگران به سپهر جامعه نمی‌رسد** با وجود شرایط نابسامان و آشفته‌ای که به خصوص در طول سه سال گذشته به جامعه کارگری ایران تحمیل شده است هنوز هم صداهای این گوشه و کنار این جامعه نادیده انگاشته شده شنیده می‌شود. ابراهیم مددی، فعال کارگری یکی از این صداهاست. او می‌گوید: صدای کارگران به سپهر جامعه نمی‌رسد و شاید این یکی از اصلی‌ترین دلایل ضایع شدن حقوق این گروه ۱۵ میلیون نفری از جامعه باشد. کارگران شکل‌های آزاد و مستقل سازمان و تبلیغ نمی‌توانند صدای خود را به گوش مجامع و دولتهای برسانند. نتوانند برخلاف تمام کشورهای دنیا و به عنوان یک جمعیت میلیونی، مورد دست کم یک نماینده واقعی در سیستم قانونگذاری کشور داشته باشند و در نتیجه نمی‌توانند از حقوق صنفی خود دفاع کنند. ابراهیم مددی با اشاره به سابقه ۳۰ ساله برگزاری انتخابات پس از انقلاب، خلا حضور نمایندگان کارگری در این انتخابات و تعیین سرنویست ملی را نقطه ضعف و کمبود می‌نماید می‌کند و ادامه می‌دهد: «هم در گوش مجامع و دولتهای مهم و موازین اصلی اعلام‌های حقوق‌پیش‌تر است که حقوق کارگرایی به گونه‌ای باشد که بتواند حداقل معیشت یک خانواده ۴ نفره را تأمین کند اما به دلیل ضعف سیستم سازمان‌های کارگری حتی حداقل حقوقی هم که در قانون کار کشور می‌باشی نمی‌شده است با کارگران پرداخت نمی‌شود و در نتیجه کارگری همیشه فقر و مشقت همراه است.»

این فعال کارگری در انتقاد به وضعیت برخورد دولتی با شکل‌های کارگری مستقل به تجربه کشورهای دیگر اشاره می‌کند: «ما نمی‌خواهیم روابط کار در کشور خودمان را با کشورهای اروپایی مقایسه کنیم اما حتی در مقایسه با کشورهای مانند نیجریه، فلسطین، هندوستان و ترکیه ما وضعیت نامطلوبی

پرتو

یادی از کارگر دور از خانه

[افرا سرداروار]



نمی‌توان از روز کارگران جهان نوشت و یادی از منصور اساتلو که از نوزدهم تیرماه سال گذشته تا به حال دور از زندان است، نکرد. منصور اساتلو این روزها در حالی همچنان در زندان اوین به سر می‌برد که از ناراحتی شدید چشمی رنج می‌برد.

به گفته پروانه اساتلو نوزدهم تیرماه امسال یک سال از مدت آخرین حبس اساتلو می‌گذرد و در حال حاضر ماهی یک بار برای معاینات چشمی از زندان به بیمارستان منتقل می‌شود. اما علاوه بر وضعیت نامناسبی که این فعال کارگری در زندان ناگزیر به تحمل آن شده است، خانواده او در زندان تنگنای نبود پدر که شرایط چندین مساعدی برخوردار نیستند.

پروانه اساتلو در اینباره می‌گوید: «به هر حال ایشان در زندان هستند و من مجبور هستم دو شیفت کامل کار کنم تا هزینه‌های سرسام آور زندگی را تا حدودی تأمین کنم» پسران اساتلو، مادر نگران و همسرش، این روزها را تنها با ملاقاتی صغیری از او در زندان پشت سر گذاشته‌اند و همچنان منتظرند تا تغییری مثبت و منطقی در روند بررسی پرونده این فعال کارگری که ریاست شکل مستقل کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه را بر عهده دارد، به وجود بیاید.

واکنش‌های جهانی به بازداشت منصور اساتلو اما در شرایطی ادامه دارد که پس از چندین ماه تلاش، وکلای پرونده اساتلو - پرویز خورشید و یوسف مولایی - به بازگشایی توانسته‌اند موفقیت مسوولان زندان اوین را برای ملاقات‌های صغیری با موکل خود بگیرند تا روند بررسی پرونده این فعال کارگری سرعت بیشتری به خود بگیرد.

با این حال روزها و شب‌های منصور اساتلو هنوز و همچنان در زندان می‌گذرد، حتی اگر روز اول ماه می‌باشد، حتی اگر روز گرامی داشت کارگران باشد.

استحمام به او برسد به جای رفخ خشکی با این وضعیت بیشتر افسرده و بیمار می‌شود.

به خاطر یک کف دست نان!

نزدیک به ۳۰ هزار کارگر در عسولیه مشغول به کارند. کارگرانی که حتی از نظر غذا هم در مصیقه هستند. جوان میرمادی، نماینده گروهی از کارگران شاغل در عسولیه در تشریح وضعیت نابسامان این کارگران می‌گوید: «هم کسبیت هم کمبیت کارگران بسیار ناآرام است و کارگرانی که روزی ۱۲ ساعت کار می‌کنند همواره از کم بودن غذای آن‌ها رنج می‌برند. یکدیگر دویاری هم اعتراض‌هایی کریم‌چند نفر از کارگران با مدیران صحبت کردند و از آنها خواستند تا دست کم یک کف دست نان خشک به غذای آنها اضافه کنند تا سیر شوند اما مدیران این شرکت یکی از شرکت‌های پرتوشیمی، در پاسخ به درخواست پیش‌پا افتاده به راجتی آنها را اخراج کردند و جرحه نداشتن هر گونه شکل‌گیری برای حمایت از حقوق ابتدایی کارگران مسئله‌ای است که در کنار روح‌ی و رویه قانونی شدن قراردادهای موقت کاری به کارفرمایان امکان را می‌دهد که به سادگی توشید یک لیوان آب با اخراج کارگران، وضعیت زندگی و معیشت هزاران خانواده را به خطر بیندازد. از طرفی به گفته مرادی که از حدود دو سال پیش در این منطقه کار می‌کند، مواد معدنی به آسانی در عسولیه خرید و فروش می‌شود و به این ترتیب اعتبار هم خطر دیگری است که کارگران فعال کمبیت‌های کارگری را تهدید می‌کند. در همین حال حسین اکبری، فعال کارگری نیز با مربوط دانستن همه مشکلات جامعه کارگری به یکدیگر، کارگران ایرانی را در زمینه حقوق کار، بی‌پناه توصیف می‌کند و می‌گوید: قراردادهای سفیدمغض، بیکاری و اخراج، نداشتن امنیت شغلی و پرداخت نشدن طولانی مدت حقوق، دستمزدهای مشکلاتی است که جامعه کارگری کشور را از نفس انداخته است. از وقت در این شرایط قانون کار هم به جای حمایت بیشتر از نیروی کار، کارگرانی که زود نفر را از شمول قانون خارج می‌کند تا کارفرما راحت‌تر بتواند به کارگر ستم کند».

دولت ما برای کارگران ارزشی قابل نیست

به اعتقاد حسین اکبری نداشتن مسئولیت مولد و امکان به فروش نسبت فقیر شده تا امروز مهم حیاتی تولید و به دنبال آن نیروی کار از هیچ اهمیتی در کشور ما برخوردار نباشد. او تأکید می‌کند: «وقتی که شما نیاز به تولید داشته باشید، به کارگر هم نیاز دارید و در نتیجه به او احترام می‌گذارید اما از آنجا که متکی به تولیدات داخلی نیستیم و نمی‌خواهیم که باشیم درهای کشورمان را به روی کالاهای خارجی باز کرده ایم تا فاجعه لایتنیک انرژی و آب ایشکور مفت‌نانه، به وجود بیاید و کارخانجات بویوندی و کارگران و خانواده‌هایشان گرسنه بمانند. ما امروز برقیال سرزخانه‌ای مصر و کشورهای عربی و چین آمریکای لاتین را مصرف می‌کنیم تا کشاورزی خودمان از بین برود و کارگرانی که در فصل‌های معین از این چراند میوه ارتزاق می‌کردند بیکار شوند».

سالی‌های بد، سالی‌های بدی پایان

این چنین است که هر سال اول ماه کمه از آن زاره می‌رسد، حرف تازه‌ای نداریم که تحویل جامعه کارگران ما بدیعیم. ما ارغمانی برای برخی کارگرانی صحت‌شکافی که هر سال فقر بیشتر از ما می‌شود نداریم. اگرچه از مزاحمت اجتماعی سخن می‌گوییم و به شمارهای عدالت‌طلبانه خود می‌ایلیم اما برای زحمت‌کش‌ترین قشر جامعه خود چیز تازه‌ای در چنته نداریم. هوای تازه‌ای برای ریه‌های خسته نیست، هر چه هست دست‌های است که در باغچه می‌کاریم و سبزی نمی‌شود.

به مناسبت روز جهانی کارگر گره از کار فروبسته ما بگشایید

[فهیبه خضر حمیدی]



نیر خضر حمیدی جامعه کارگری شیک روزگار شایسته‌تر از هر چیز به منزله شیشه‌نیمه‌بسته

داریم، چرا که حتی در این کشورها هم کارگران حق تعاقب، حق تاسیس سندیکای کارگری و حق انضباطی، مذاکره اعضای دسته‌جمعی را دارند و نمایندگان آنها می‌توانند با مدیران اجتماعی و بنگاه‌های همکاری و همراهی مدنی بیان می‌شود که کشور ایران بیش از ۱۰ سال است که به غیوبت سازمان‌های کارگری درآمده و مغالوه‌نامه‌های متعددی را در زمینه رعایت حقوق بشر و از جمله حقوق کارگران داشته است. از سوی دیگر نتوانیم مغالوه‌نامه‌های حقوق‌مرد سال‌های ۸۷ و ۹۸ و جمهوری اسلامی ایران هم از دیگر مواردی است که امکان یادیده حقوق کارگران را برای دولت و کارفرمایان فراهم آورده است.

کارنامه وزارت کار

در اوایل دوران اصلاحات سند کار شایسته» در وزارت کار مطرح شد و وزارت کار دولت خامنی با برگزاری همایش‌ها و نشست‌هایی اندک توجهی به مغالوه‌نامه‌های حقوق بینابین کار نشان داد. اما این توجه هم به حد باره‌هایی که با روی کار آمدن دولت جدید خاموش شد باقی ماند. مددی در این باره می‌گوید: «وزارت کار در این سال‌ها پیشتر از جایگاه وزیر صنایع و معادن حرف زده و تنها کاری که انجام داده است برقراری روابط منطقی و سالم و مبتنی بر عدالت اجتماعی میان کارگر و کارفرما بوده است. این دوره حتی شورای اسلامی کار هم که وابسته به دولت هستند تحمل نشدند و به این ترتیب جامعه دستمزدها به عنوان یکی از وظایف مهم خود، موقوف عمل نکرد».

ما در عسولیه، در انتهای جاده کتبیم

خصوصی‌سازی صنایع و کارخانجات برخلاف آنچه هدف اصلی آن به شمار می‌رود، به بزرگ‌ترین دشمن کارگران ایرانی تبدیل شده است. بیش از ۶۸۰ شرکت کارگر آونگان اراک ماه‌هاست که در پی واگذاری این واحد صنعتی

چشم‌ها را باید نشست

[یوسف مولایی]

توسعه یافتگی وجود شکل‌های کارگری مستقل می‌باشد و یکی از مؤثرترین و موفق‌ترین سازمان‌های بین‌المللی نیز سازمان بین‌المللی کار می‌باشد و اسناد بین‌المللی ناظر به حقوق بشر، از اسنادنامه سازمان بین‌المللی کار گرفته تا اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جایگاه بسیار بااهمیتی برای حمایت از حقوق کارگری، سیاست‌ها و برنامه‌های محدودکننده فعالیت‌های کارگری مورد توافق قرار گرفته است تا آنجا که فعالیت‌های صنفی با رویکردهای امنیتی مورد سوظن و بدگمانی قرار گرفته و فعالان کارگری به عنوان آسیب‌برسانان به امنیت کشور مورد محاکمه به قرار گرفته و تعدادی از آنها در زندان به سر می‌برند. به نظر مطلق، سندیکای کارگران شرکت واحد و رئیس هیات مدیره آن، آفتاب منصور اسالو، هزینه سنگینی را برای فعالیت‌های صنفی می‌پردازند. اسنادی که بر مبنای مرتبط با نظام اقتصادی، اجتماعی و مدنی تجاریب و دستاوردهای جنبش کارگری را به‌درستی و به‌دور از ملاحظات احساسی و سیاسی مورد توجه قرار داده و از آئینو سرمایه‌طلبانه در مسیر توسعه کشور و تقویت حاکمیت ملی سودبرند، چشم‌ه‌ها را باید نشست و همه چیز را از دریچه مهربانی دوباره دید.



* وکیل مدافع پرونده‌های کارگری

کافه نگره

کافه تامل

چند دلیل ساده برای معضلی که زندگی کارگران را فلج کرده است

[اسماعیل محمدولی]

واضح‌ترین تصویری که این روزها از وضعیت کارگران ایران مشاهده می‌شود، تشدید اخراج‌ها و ماه‌ها تعویق در پرداخت حقوق کارگران است. توسعه‌یابی سوزی مثل همه این سال‌های پس از جنگ، اصلی‌ترین دلیل این وضعیت بحرانی است. همچنان کارخانه‌های بزرگی که تها متابع درآمد کارگران هستند، باقیمت ناچیزی به لایه‌های نزدیک به قدرت و ناگذاری می‌شوند تا طبق یک روند شناخته‌شده این طبقه و مواد اولیه به کارخانه، تولید تعطیل شود و بر این اساس برای چندین ماه پرداخت حقوق کارگران به سر بالا نکرده می‌شود. اعتراض کارگران به عدم دریافت حقوق مالک خصوصی و ماهی به پنهان‌نکردن نقدی از دولتی دریافت‌کنند و این عصبیت و ناامنی باعث می‌شود تا در نهایت تمام کارگران کارخانه و ورشکسته‌نشناخته‌شده و ابزار تولید و زمین وسیع و ارزشمند کارخانه‌ها فروخته‌شده و یا از سوله‌ها به عنوان ابزار استفاده شود.

در این دوره است که عمده‌ای از محصولات کشور چیزی وارد می‌شوند در سال‌های اخیر باصمیمیت روابط سیاسی دو کشور شدت گرفته است، به حدی که صنایع بزرگی چون لوازم خانگی، نساجی، قند و شکر، لوازم‌پله‌دشتی، لوازم تحریر و حتی کارخانه‌های تولیدکننده تا تأسیسات حرارتی هم توان دریافت را دست داده و در آستانه نابودی قرار گرفته‌اند.

به عنوان مثال تولیدکننده منسوجات ایرانی قدرت رقابت با محصولات مشابه چینی را ندارند چرا که اگر قصد تولید را به چه داشته باشند، قیمت مواد اولیه یعنی نخ، برابر با قیمت پارچه وارداتی از چین است و در چنین شرایطی اگر تمام هزینه‌های تولید مثل ابزار تولید، نیروی کار و... را هم صفر در نظر بگیریم باز تولید ضررناک است. بود و امکان رقابت نیست و ورشکستگی این صنایع و زندگی در فقر و بیکاری سرودن هزاران کارگر شاغل در این صنایع است.